

مطلب هفتاد و ششم _ يجعل اعلاهم اسفلهم

قوله تعالی: " این ایام در هر حین مفاد کلمه يجعل اعلاهم اسفلهم و اسفلهم اعلاهم ظاهر جمیع آنچه در کتابهای الهی از قبل و بعد در امورات حادثه در یوم الله بوده ظاهر و مشهود و لکن خلق از ادراک آن محجوب چه که زخارف دنیا و شئون آن حجاب غلیظ شده چشمها را از دیدن منع نموده اینهمه غفلت در صورتی است که در هر حین خود دنیا ناس را از فنای خود اخبار میدهد بافصح بیان میگوید عنقریب آنچه در من مشاهده میشود تغییر یابد و بفنا راجع شود یک ندای او دمدمه مدافع است که در اطراف مرتفع در یک آن خلق کثیر را از عرصه وجود میریاید هر صاحب بصر و سمع شهادت میدهد که ندایش بسیار بلند است و خبرش بسیار محکم این ندا ظهورات اعمالیست که در او احداث میشود و مشعر بر تغییر و فناست سبحان الله خلق را چه شده که پند نمیگیرند و نصیح ناصح را نمی پذیرند باو هام مشغولند و از مالک انام غافل بگمان خود حق را عابد و ذاکرند و لکن قلم اعلی در صباح و مساء بل در کل احیان باعلی النداء ندا میفرماید انه برئ منکم یا ملأ الاخسرین و از ورای آن جمیع اشیاء شاهد و گواهند و لکن القوم لا یسمعون آفتاب انصاف را غمام اعتساف ستر نموده و جمال عدل را ظلم از مشاهده منع کرده انسان متحیر که چه بگوید و که بشنود یک امر سبب قوت اهل ظلم شده و امر دیگر علت ضعف اهل عدل سبحان الله اهل نفاق بحسن اتفاق بر خورده اند و بآن تمسک بسته اند و بر اهل عالم حکمرانی مینمایند و لکن اهل عدل از اینفضل اعظم که مخصوص ایشانست محروم مشاهده میشوند با آنکه اتفاق آن نفوس اتفاق حقیقی نیست معذک سبب و علت تفوق کنند اگر دوستان و اولیای الهی در جمیع ولایات باتفاق فائز میشدند هر آینه نورش آفاق را احاطه مینمود در بعضی اماکن عرف اتحاد و اتفاق استشمام نمیشود و این فقره سبب ذلت امر بوده و هست .. اگر جمیع عالم از حق اعراض نمایند ضری بر امر وارد نه بلکه اعراض خلق سبب و علت ارتفاع امر حق جل جلاله است و لکن ضرر و حزن مظلوم از عدم اتحاد و اتفاق اولیاء و دوستانست ... بگو عمل را لله کنید و الی الله ناظر شوید هر نفسی این مقام را ادراک نماید و لذت آنرا بیابد البته از خود و ما عنده بگذرد و بما یرتفع به الامر ناظر و عامل گردد ... ناله و حنین حق جل جلاله و عظم کبریائه بدن را میگدازد و عظام را آب مینماید از اول این ظهور اعظم تا حین در اکثر الواح از قلم اعلی امر باتحاد و اتفاقو محبت و مودت و همچنین اخلاق روحانیه و اعمال طیبه جاری و مسطور مع ذلک در بعضی از مدن و دیار بغیر ما اراده المختار دیده میشود زهی افسوس بل صد هزار افسوس که انسان در این ایام که بیک آن آن قرون لا تحصی معادله مینماید از

کأس رضا محروم ماند و از دریای عنایت ممنوع آیا انقلابات و اختلافات و موت یکدیگر را مشاهده نمی نمایند
آیا براتی که مدل بر بقاست از حق اخذ نموده‌اند و یا خود را فاعل مختار دانسته‌اند؟اگر اهل ارض فی
الجملة تفکر کنند ادراک مینمایند که مصلحت کل ظاهرا و باطنا توجه بحق جل جلاله بوده و هست غفلت
عباد و اعمال باطلهٔ ایشان بصور بلایای مختلفه ظاهر شده و ارض را احاطه کرده نظر بما قدر من القلم
الاعلی این جهات را نار حروب و دخان بلایا اخذ نموده و آن شعله در بلاد ایران مستور است و البته این ستر
را ظهور و بروزی از پی مگر بملاحظه نفوس مقدسهٔ ثابتهٔ راسخه مطمئنهٔ مستقیمه بلایای کبری و رزایای
عظیم منع شود انه علی کل شیء قدیر ."